

خود را هماهنگ با تعالیم اسلامی مراعات کند. بدیهی است که اجرای همه این مأموریت‌ها از راه اقدام شخص ولی فقیه در همه جزئیات امکان پذیر نیست و این نیازمند تفویض اختیارات به افراد و نهادهای و نصب افراد و تعیین وظایف آنان در ادارات عمومی بزرگ و اصلی و نیز امضا و تأیید پیشنهادها، فعالیت و اقداماتی است که براساس تشخیص وی، با تعالیم اسلامی هماهنگ است.^۱ دربارهٔ چگونگی ارتباط با ولی فقیه، حزب‌الله عقیده دارد باینکه با تأیید ولی فقیه فعالیت در دایره اسلام و اجرای احکام آن و رفتاری در چهار چوب دیدگاه و قواعدی است که ولی فقیه آن را ترسیم می‌کند. بدیهی است که مدیریت، پیگیری، همکاری با جزئیات و امور تفصیلی، اتخاذ تدبیر مناسب، فعالیت سیاسی روزمره، حرکت فرهنگی و اجتماعی و حتی جهاد علیه اشغالگران اسرائیلی و جوانب گوناگون آن بخشی از مسئولیت رهبری منتخب از سوی کادرهای حزب، براساس آیین‌نامه‌های داخلی مصوب است که در شورای مرکزی حزب و در رأس آن دبیر کل تجلی یافته است و مشروعیت خود را از ولی فقیه کسب می‌کند و دارای اختیارات وسیعی است که به آن تفویض شده است تا در انجام دادن مأموریت‌ها، این شورا را یاری کند. این اختیارات متضمن استقلال وسیعی در اقدامات اجرایی است، به گونه‌ای که نیازی به پیگیری مستمر و روزمره ولی فقیه نباشد.^۲

از گفته‌های بالا بر داشت می‌شود که حزب‌الله در امور مهم و استراتژیک تشکیلاتش، تابع اوامر ولی فقیه است؛ ولی فقیه‌ای که در ایران حضور دارد. ||

پی‌نوشت‌ها

۱. هراب دمکچیان، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۵.
۲. همان، صص ۲۰۲ و ۲۰۴.
۳. حسن فضل‌الله الخیر، الآخر، بیروت: دارالهادی، ۱۹۹۴م، ص ۴۱.
۴. روزنامه بهار، ش ۱۶۰، مرداد ۱۳۷۹، ص ۱۰.
۵. السفیور، ۵ مه ۱۹۸۴ م به نقل از کمال حمدان، همان، ص ۱۹۵.
۶. مصاحبه با حسین موسوی، کیهان، ش ۱۳۷۹، ۷ مرداد ۱۳۶۵، ص ۱۶.
۷. العلاقات الخارجية لحزب الله، المنشأة والرؤیة، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۷.
۸. نعیم قاسم، حزب‌الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۳، ص ۷۸.
۹. همان، صص ۸۲-۸۰.

بررسی جامعه‌شناختی شیعیان لبنان

دکتر مسعود اسداللهی

شیعیان لبنان به طور عمده در دو منطقه جنوب و بقاع ساکنند. ساکنان هر دو هم شیعه دوازده امامی هستند، اما از نظر فرهنگی بسیار با هم تفاوت دارند در منطقه جنوب، فئودال‌ها حاکم بودند و در منطقه بقاع عشایر. از نظر جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه فئودالی با جامعه عشایری خیلی متفاوت است؛ برای مثال عشایر بسیار میهمان‌نواز، خونگرم و صاف و صادق‌اند. این صفات مثبت عشایر به‌شمار می‌آید، ولی درباره ویژگی‌های منفی‌اشان باید به تعصبی که آنها نسبت به قوم و قبیله و رئیس عشیره‌شان دارند اشاره کرد؛ تا آنجا که اگر فردی در قبیله جرمی مرتکب شود از او حمایت می‌کنند، ولو اینکه ظالم و حتی قاتل باشد. سطح علمی و فرهنگی‌شان به اندازه سطح فرهنگی شیعیان جنوب لبنان نیست. به همین خاطر در بین شیعیان بقاع نویسنده، استاد دانشگاه، روحانی و این گونه چهره‌های فرهنگی کمتر دیده می‌شود. بیشتر شخصیت‌های فرهنگی شیعیان از جنوب هستند. البته امام موسی صدر موفق شد فئودال‌های جنوب و روحیه فئودالی آنها را ریشه کن کند. چون منطقه جنوب با دریا هم‌جوار است و شیعیان جنوب اهل تجارت دریایی بودند، به کشورهای گوناگون سفر کردند، با فرهنگ‌های گوناگون آشنا شدند و غنای فرهنگی بالایی پیدا کردند، شناختشان نسبت به جهان بسیار گسترده است و حتی ممکن است مشاهده کنید که در یک روستا عده بسیاری از جمعیت آن در کشورهای اروپایی، آفریقایی و امریکای لاتین

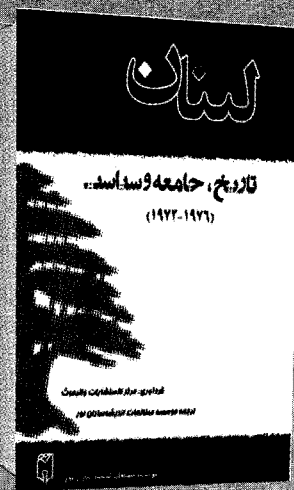
گروهی از بقاعی‌ها برای جنگیدن به جنوب رفتند. در منطقه بعلبک در بقاع، مقام رأس‌الحسین (ع) و سیده خولیه وجود دارد، باین حال جنوبی‌ها تا سوره برای زیارت مرقد حضرت زینب (س) می‌روند، اما به بقاع سفر نمی‌کنند. بین این دو گروه نیز ازدواج به ندرت اتفاق می‌افتد که همین مسئله از وجود شکاف میان آنها و باقی ماندن آن به‌رغم تلاش‌هایی که امام موسی صدر، جمهوری اسلامی و حزب‌الله کرده است، حکایت می‌کند.

به دلیل نزدیکی منطقه جنوب به دریا، تدین در آنجا ضعیف است؛ چون در زمان قبل مرکز فساد بوده است؛ اگر چه الان دیگر خبری از این مراکز نیست، تأثیر آنها همچنان باقی است. از همین رو هر چه به سمت کوهستان و جبل عامل می‌آییم می‌بینیم مردم متدین‌ترند برای همین در شهرهای کنار ساحل، جنبش امل پایگاه دارد، چون شیعیان لایقک، که طرفدار جنبش امل‌اند، در آنجا زندگی می‌کنند. اما در منطقه کوهستانی، حزب‌الله نفوذ بیشتری دارند. همه علمای بزرگ به منطقه جبل عامل تعلق دارند. البته مناطق ساحلی هم از نظر تجاری مهم هستند؛ زیرا بندر در آن مناطق قرار دارد و از همین رو تجارت در آنجا رونق دارد. شاید به همین دلیل بود که امام موسی صدر شهر صور را که شهری ساحلی است، مرکز فعالیت خود قرار داد. همه این شرایط باعث می‌شود تنوع در میان شیعیان لبنان زیاد باشد.

نکته دیگر این است که فرهنگ دینی شیعیان لبنان با شیعیان ایران تفاوت دارد؛ زیرا به دلیل ظلم و ستم وارد شده به شیعیان لبنان طی سال‌های گذشته، آنها فرصت چندانی برای تعلیم و تعمیق علوم دینی نداشته‌اند. همین مسئله باعث شده است باینکه آنها به شعائر دینی با بایندهی شیعیان ایرانی تفاوت داشته باشد که برای نمونه می‌توان به مسئله ارتباط دختر و پسر، مفهوم حجاب و ... اشاره کرد. در لبنان حجاب اصلاً نماد تدین نیست. افزون بر این روحانیان لبنانی اصلاً روضه‌خوانی بلد نیستند و محور صحبت‌هایشان سیاسی است؛ به همین دلیل برای مراسم عزاداری از روحانیان عرب‌زبان ایرانی یا عراقی استفاده می‌کنند. با توجه به این تفاوت‌ها حزب‌الله کوشیده است رفتار خود را با این اوضاع هماهنگ سازد. ||

تاریخ احزاب شیعی در لبنان از قرن ششم تا پایان سال ۱۹۸۲

کتاب تاریخ احزاب شیعه در لبنان، که توسط باحث للدراسات گردآوری شده، شکل‌گیری و سیر تحولات تشیع در لبنان و نوع روابط و تعاملات شیعیان لبنان با جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده است. در این کتاب به تحولات گروه‌های شیعه در لبنان و همچنین درگیری‌های مذهبی، قومی و طایفهای و سهم شیعیان در مبارزه و مقابله لبنان با تجاوزات رژیم صهیونیستی اشاره شده است. جواد اصغری کتاب فوق را ترجمه کرده و توسط مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور منتشر گردیده است.



فرهنگی، آموزشی و بهداشتی توجه نموده است. این کتاب در بازه فصل تنظیم گردیده است. همچنین گاه‌شمار حوادث لبنان از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۸ م به عنوان پیوست به بخش پایانی کتاب افزوده شده است. کتاب توسط مرکز الاستشارات و البحوث گردآوری شده و مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور ترجمه و نشر آن را عهده‌دار بوده است.